

« راه مصدق ، راه ملت است »

تحولات دوازده ساله

۱۱۰۲۱۸۴

« چون از مقدمات کار دادرسی معلوم است که در گوشه زندان خواهیم مرد و این »
« صدا و حرارت را که همیشه در خیر مردم بکار برده ام خاموش خواهند کرد ، در اینجا »
« از مردم رشید و عزیز ایران ، مرد و زن ، تودیع میکنم و تأیید مینمایم که در راه پسر »
« افتخاری که قدم برداشته اند از هیچ حادثه ای نهرا سانسند . »

از آخرین سخنان مصدق در دادگاه (سال ۳۲)

هـ. مومنان عزیز

خدای ایران نخواست که این صدا ، آخرین صدای مصدق باشد و سالها بعد در یکی از آخرین نامه های خود ، از تبعیدگاه احمد آباد ، برای پیروان راه خویش نوشت :

« در پهای جبهه را باید بروی احزاب و اجتماعات و دستجاتی که حاضرند در راه »
« آزادی و قانون اساسی همه چیز خود را فدا کنند باز گذاشت »

از نامه مصدق به شورای جبهه در سال ۴۳

هنوز صدای لبریز از شور و وطن پرستی مصدق بزرگ در فضای آسمان آزادی طنین انداز است که گفت : هر حزب ، هر اجتماعی و هر دسته ای که به دو اصل اصیل " آزادی - قانون اساسی " احترام بگذارد میتواند در زیر چتر جبهه ملی فعالیت کند و بر اساس همین راهنمایی و دعوت بود که همه جناح های اجتماع ما ، با هر ایده و مرامی ، بحرکت در آمدند ، دست بدست هم دادند ، ۲۵ سال تمام ، نوشتند ، فریاد زدند ، مبارزه کردند ، کشته دادند ، و سرانجام در یکسال اخیر در تحت شعار " آزادی - قانون اساسی " مردان ما ، زنان ما ، و حتی بچه های ما بخیابانها ریختند ، خونها نثار نمودند تا موفق به اجرای صحیح قانون اساسی و نشانیدن ملت بر مسند حکومت شدند و کاخ دیکتاتوری و استبداد را واژگون نمودند .

اینک ، هنوز اشک چشم داغداران این مبارزات خشک نشده ، هنوز آزادی کامل نصیب ملت نگردیده ، هنوز عمال ، استبداد سنگرهای خود را کاملاً خالی نکرده اند که ناگهان تغییر جهتی محسوس در شعار شریف " آزادی و قانون اساسی " داده شده ، آزادی به استبداد برای عده ای انگشت شمار تغییر شکل داده ، شعار " احترام به قانون اساسی " ، قانونی که در یک سال دوران هفتاد ساله تجربه و جلا داده شده است ، زیرکانه به شعار نا مفهوم و خامی که یکصد سال دیگر تجربه لازم دارد مبدل گردیده است . اکنون این پرسش مطرح است که آیا مردم را فریب داده ایم ؟ آیا اینهمه خون در مسیر یک نیرنگ ناجوانمردانه ریخته شد ؟

برای آزادگان این سرزمین دیکتاتوری جهانی با دیکتاتوری بهشتی تفاوتی ندارد ، ما برای آزادی جنگیده ایم ، آزادی فکر ، آزادی گفتار ، آزادی اشتغال ، آزادی زندگی و ما با شعار احترام بقانون اساسی به میدان مبارزه آمدیم ، برای حصول این آزادی ها برای ما ، استبداد ، استبداد است بهر صورت و از طرف هر کس

فاطمی ها ، روزبه ها ، تختی ها ، جزنی ها ، بهرنگی ها ، همه اینها جان خود را ندادند برای اینکه به دیکتاتوری تازه ای جان بدهند .

مجاهد بزرگ خلق در کنار سایر پیروان " راه مصدق " مدت ۲۵ سال در چهار دینپواری

زندانیهای استبداد ستم نکشید تا امروز در منبر "مسجد هدایت" از وصول نامه های اعتراض آمیز
عمرزمان خود رنج ببرد و از احتمال آرام شدن صدای خلق نگران باشد، صدائی که با ملاحظه
تغییر شعارها و هدف های اصیل اولیه و یاس از احتمال فریب، می رود که خاموش گردد.

این صدا خاموش نخواهد شد، دوباره اوج خواهد گرفت و فریاد طلب آزادی، بجای
استبداد جدید و تعالی احترام به قانون اساسی در شهرها طنین انداز خواهد شد، پیروان
"راه مصدق" مردم مجذوب و مرعوب کوچه و بازار را از هرگونه انحرافی باز خواهند داشت
و احساسات کاذب و عصیان های کور را هدایت خواهند نمود، بیکارشدگان آواره را بکارگاهها
گسیل و چرخ تشکیلات کشور را بگردش خواهند انداخت، انقلاب بزرگ و مردمی ایران را دنبال
خواهند کرد و راه قهرمانان راستین ملت را بخاطر استقرار حاکمیت مستقل جامعه ای آزاد، مقاوم
در مقابل هر ارتجاع تازه ای، ادامه خواهند داد. بت پرستی و حکومت فردی را سرکوب و هرگونه
انحرافی از مسیر قانون اساسی را متوقف خواهند ساخت.

هنوز هم می نویسیم، هنوز هم فریاد میزنیم، هنوز هم مبارزه میکنیم، هنوز هم کشته می دهیم،
در هر جا و در مقابل هر کس.....

بخاطر حفظ قانون اساسی، برای حصول آزادی

گروه راه مصدق
"کمیته مرکزی"

۵۷-۱۱-۴

کمیته مرکزی

۵۷/۱۱/۸

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»